

بررسی اسناد تاریخی نهاوند (۳)

حسین زرینی
کارشناس ارشد تاریخ

طرح و بازنویسی اسنادی از تاریخ که به نحوی مربوط به گذشته‌ی نهاوند است، ضمن این که در روشن کردن گوشه‌هایی از تاریخ این کهن شهر مؤثر خواهد بود، محققانی را نیز که دسترسی به آرشیوهای اسناد ندارند کمک خواهد کرد تا با سهولت بیش‌تری به اسناد دسترسی پیدا کنند.

بنابراین اگر در بررسی و تحلیل‌های اسناد مندرج در «فرهنگان» از جمله «سند اول» این بخش، حق مطلب به تمامی ادا نشده است، انتظار داریم آن را به‌دیده‌ی اغماض بنگرید. ان شاء الله متعاقباً به کمک صاحب‌نظران و مطلعان مورد بررسی بیش‌تر قرار خواهد گرفت.

سند اول از این مجموعه مربوط به پاسخی است که آخوند ملا محمد کاظم خراسانی^۱ به یکی از نامه‌های حاج میرزا محمدعلی نهاوندی داده است. مرحوم نهاوندی ظاهراً

۱- آخوند ملا محمد کاظم خراسانی هروی در سال ۱۲۵۵ هجری قمری در مشهد متولد شد. او پس از تحصیل مقدمات در مشهد در سال ۱۲۷۷ هجری قمری به تهران مهاجرت کرد و در نزد اساتید آن

مسئولیت تعلیم و تربیت احمدشاه را به عهده داشته است. این سند که متأسفانه تاریخ دقیق آن مشخص نیست، می‌تواند در روشن کردن قسمت‌هایی از تاریخ ایران و معرفی یکی از شخصیت‌های نهانندی مفید واقع شود. متن سند به شرح زیر است:

«سند شماره‌ی اول»

جناب مستطاب اجل الافاضل والانام آقای حاج میرزا محمدعلی نهانندی، معلم ذات اقدس اسعد همایون شاهنشاهی ادام الله دولة‌العلیه ملاحظه فرماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

معروض می‌شود، مرقومه‌ی شریفه که کاشف از کمال دین پرستی و وطن‌پروری و احساسات اسلامی و ایمانیه و بذل جهد در خدمات وطنیه و ملیه بود، بر مراتب امیدواری افزود.

عصر به فرا گرفتن حکمت مشغول شد. پس از آن در ۱۲۷۸ هجری قمری برای ادامه‌ی تحصیلات در فقه و اصول رهسپار نجف اشرف شد. وی در نجف از محضر درس حاج میرزا محمدحسن شیرازی (مرجع تقلید عالم تشیع و صادرکننده‌ی فتوای معروف تحریم تنباکو) بهره‌ها برده و مورد توجه خاص او بود.

وی بعداً در نجف اشرف مشغول به تدریس شد و میرزای شیرازی نیز مقام علمی او را گوشزد طلاب می‌نمود. پس از مدتی وی خود از مراجع بزرگ تشیع گردید و در انقلاب مشروطیت تلاش‌های فراوانی در به پیروزی رسیدن انقلاب به کار بست. وی سرانجام در سال ۱۳۲۹ قمری در نجف اشرف به رحمت ایزدی پیوست و در همان‌جا به خاک سپرده شد. کتاب کفایه‌الاصول او بارها تجدید چاپ شده است. (مهدی‌بامداد، شرح حال رجال ایران، جلد چهارم، تهران، انتشارات زوار، چاپ چهارم،

بحمدالله تعالی قیام مثل جناب مستطاب عالی به وظیفه‌ی مهمه‌ی تربیت و تعلیم ذات اقدس همایون شاهانه، شیدالله تعالی ارکان سلطنته و ابد دولته که امروزه از اهم وظایف ملیه است، موجب کمال امیدواری و کاشف از کمال مراقبت و حسن انتخاب حضرت اقدس اشرف آقای نایب السلطنه دامت شوکة العظمی و رجاء واثق حاصل است، که بعون الله تعالی در حسن تربیت و تعلیم این یگانه گوهر و برومند شدن این نهال امید ملت، بذل جهد و صرف مہجہ فرموده و علوم و اخلاق کریمه شایان مقام اعلاى سلطنت اسلامیه، ادام الله تعالی شوکتها و حب وطن و ملت و شوق اعلاى دین و دولت و بسط معدلت و ترقی و آبادانی و انتظام مملکت و ترویج صنایع وطنیه و سایر موجبات رفعت و سربلندی در عداد سایر ملل و دول و استغناى از اجانب و ارجاع آب‌های رفته و آبروهای ریخته را در این ابتدای سن و عنقوان شباب، به نیات وافیه علمی و اخلاقی و آدایه و تجدید مذاکرات همه‌روزه در جلیت و فطرت ذاتیه‌ی عالیہ‌ی آن ذات اقدس، کالنقش فی الحجر رسوخ و [...] دهند و مبادی ترقیات محیرة العقول تمام ملل و دول عالم به همم عالیہ‌ی سلاطین و درباریانشان مستند است و تنزل این دولت خودمان و این ملت را به این درجه که بالاخره به سوء مسلک سلاطین سلف و پست فطرتی درباریان منتهی است، علی ما هو علیہ، با طریق علاج بر ضمیر منیرشان مکشوف و بر تجدید دوره، به طوری که بعون الله

تعالی در اندک زمان حتی از امپراطور ژاپون هم سبقت ربایند،
عزیمت راسخه‌ی ملوکانه را تصمیم فرمایند.

قامت مبارکشان را به لبس منسوجات وطنیه که بالاترین موجبات
شرف و زینت و مورث تأسی تمام این مملکت و باب‌الابواب ترقی
و سد اعظم ابواب فقر و ذهاب بقیه‌ی ثروت است، مزین و مراقبت از
مندرجات فصول عشره را که سابقاً به حضور اقدس تقدیم شده در
قلب همایونی ثابت و راسخ و از سوء تأثیر انقباس [...] و نیت معلمین
بیگانه که اولیای امور در پذیرفتن آنها مجبور بوده‌اند، برحذر و
صدقه‌ی آنها را با تمام موجبات حفظ دین و وطن و ترقی و
استقلال ایران، علی‌ماه‌علیه، در پیشگاه اقدس عیانی و وجدانی
خواهند فرمود. ان شاء الله تعالی، والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

من الاحقر [...] محمد کاظم خراسانی^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

«سندهای دوم و سوم»

این دو سند مربوط به یک موضوع و آن هم تحصن مردم و تجار نهاوند در تلگراف خانه‌ی شهر نهاوند است. اقدام به تحصن و ارسال تلگراف بعد از هجرت تجار نهاوند به توپسرکان بوده و علت هجرت ظلم و ستم برخی خوانین منطقه اعلام شده است. این سندها به سال ۱۳۰۰ هجری شمسی تعلق دارد و بیانگر ظلم ستیزی مردم نهاوند و تن ندادن آنان به خواسته‌های غیر معقول مأموران مالیه و خوانین منطقه است.

سندهای مذکور، به خصوص در صورت پیدا شدن اسناد و شواهد دیگر می‌تواند یکی از وقایع مهم تاریخ معاصر نهاوند (تحصن و هجرت مردم) را به گونه‌ای مفید و مؤثر روشن سازند.

مسئله‌ی این رویداد دارای جوانب بیش‌تری است و انگیزه‌ها، اهداف، چگونگی هجرت و نتایج آن نیازمند پژوهش‌های بیش‌تر و گسترده‌تری است. توجه شما را به متن اسناد مورد اشاره جلب می‌کنیم:

«سند شماره‌ی دوم»^۱

اداره‌ی تلگرافی دولت علیه ایران

از: نهایند

به: طهران

مقام منبع ریاست الوزراء عظام دامت شوکته، استرحاماً
 استدعا می‌شود از حضرت اشرف تکلیف قطعی چاکران مرحمت
 شود. تاب مأمور مالیه دیگر نداریم. عموم رعایای قصبه‌ی نهایند
 متحصنین تلگراف خانه. علی محمد، عباس، نامدار، حجت الله،
 محمود، شکرالله، محمدنبی، رحیم، هاشم، فرج الله.
 ورود به کابینه‌ی ریاست وزراء: به تاریخ ۴ قوس ۱۳۰۰

«سند شماره‌ی سوم»^۲

اداره‌ی تلگرافی دولت علیه ایران

از: تویسرکان

به: طهران

جواب فوری است. توسط حضرت شریعتمدار آقای
 شیخ الاسلام وکیل ولایات ثلاث، ساحت مقدس دارالشوری ملی
 شیدالله ارکانه، کبیه ریاست وزراء عظام دامت شوکته.

۱- آرشیو مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره‌ی راهنما: ۲۲-۶۸۶

۲- همان‌جا، شماره‌ی راهنما: ۵۴-۶۸۶

خوانین نهانده مالیاتی به دولت مدیون، انتریک کرده اداره‌ی ژاندارمری مأمور درب دکاکین ماکسبه‌ی مظلوم گذارده که شما به خوانین قرض بدهید. از شدت فشار مجبوریم هجرت تویسرکان.

غیاب ما سخت گرفته. دکاکین ما تعطیل شده. ژاندارم میان عیالات بیچاره غنماً وجه مطالبه. تصور می‌کردیم افتتاح پارلمان تقلیل ظلم، آسایش رعیت فراهم. کدام قانون اجازه داده ژاندارم میان اندرون تجار بدون علت بنشیند [که] مالیات بده. خوانین^۱ چه تقصیری کرده.

هرگاه قانون جدیدی وضع شد، اطاعت شود و الا بعد از سلب شرافت، طاقت اهانت نداریم. اجازه فرمایید هستی خودمان تقدیم، عیالات خارج مشغول دعاگویی. تجار نهانده: حاجی محمود، هدایت‌الله، فرج‌الله، محمدعلی، میرزا آقا احمد

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ***

«سند شماره‌ی چهارم»

چهارمین سند که خوش‌بختانه تصویر آن در اختیار ماست^۲ مربوط به احضار توپچی‌های نهانده‌ی به نزد مظفرالدین شاه قاجار است. در این سند، که تاریخ ۱۳۱۹ را دارد، به حاکم ولایات ثلاث (نهانده، ملایر، تویسرکان) نگاه‌شده شده و با تعبیرهایی

۱- خوانین جمع خاتون: خانم‌ها

۲- تصویر این سند را جناب سرهنگ علیرضا طاهری در اختیار مؤسسه‌ی فرهنگی علیم‌رادیان قراردادند، که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌شود.

بسیار مستبدانه از وی خواسته است تا توپچی‌های نهاوندی را به همراه موسی خان (که احتمالاً رئیس آنها بوده) به رکاب مبارک حرکت دهند و در صورت تعلل همه را زنجیر کرده و بفرستند. متن سند از هر چیز دیگری گویاتر است:

از طهران به ملایر

نمره‌ی ۶۴

امیر الامراء العظام حاکم ولایات ثلاثه زید مجده. سی نفر توپچی نهاوندی که با موسی خان بنا بود به رکاب مبارک حاضر شوند، بعد از آن همه معطلی اثری از آمدن آنها معلوم نشده، باید مأموری بفرستید. فوراً موسی خان را با آن توپچی‌ها حرکت بدهید و اگر تأخیر کنند باید تمام را زنجیر کرده بفرستید تا بدانند تکلیف نوکر دیوان چه قسم است و وقتی احضار می‌شوند، چه قسم باید حرکت نمایند.

امیر

به تاریخ شنبه ۳ رمضان المبارک ... سته‌ی ۱۳۱۹



اداره نیاوند

اطلاعات	تاریخ ارسال مطلب		عنوان	شماره
	روز	ساعت	دقیقه	

ابراهیم و الوعظام حکم و دستورات زیر مجری نفر تو جو نیاوند که با امور
 نیاوند در کار مبارک صفر فوتد هم از اینهمه معطل از آمدن آنها معلوم
 باید نامور بفرستد فوراً مور حاله با آن بوجها حرکت بدید و اگر
 گفتن باید تمام راز نیم کرده بفرستد تا به اینه تکلف نو کرد بول
 و وقت انصاف بفرستد چه هم باید حرکت نیاوند است

کوشه شد	کوشه شد	کوشه شد	کوشه شد
۱۳۱۹	۱۳۱۹	۱۳۱۹	۱۳۱۹